

اصول و مبانی «تربیت هنری» از منظر آیت‌الله جوادی آملی

مرضیه محمص^۱

چکیده

زمینه و هدف: هنر به عنوان یک واقعیت فرهنگی و یک ضرورت در روند تکامل اجتماعی، به برقراری رابطه معنادار میان مفاهیم، تحول در ساختارهای شناختی و انتقال یادگیری در بسترها و بافت‌های جدید می‌پردازد. در این راستا «تربیت هنری» به فرایند شکوفایی و رشد مهارت‌های فکری و شناختی و تولید ایده‌های نوین گفته می‌شود و یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزش اخلاقی پیشرو به‌شمار می‌آید و به شکل‌گیری هویت فرهنگی، رفتارسازی در جامعه، هدایت افراد به سوی هنجارها و تکوین معرفتی منتقد می‌انجامد. با توجه به نقشی که متولیان تربیت اخلاقی بر عهده دارند، تدوین اصول راهنمای عمل و روش مؤثر و متناسب با وضعیت فکری و دگرگونی‌های محیطی ضروری به‌نظر می‌رسد و به‌طور خاص بیان نظریه‌های ژرف‌اندیشانه آیت‌الله جوادی آملی، در حوزه تربیت هنری ضرورت می‌یابد.

روش تحقیق: در این نوشتار، سعی بر آن است که با روش اسنادی (کتابخانه‌ای) پس از تبیین موضوع «تربیت هنری» به عنوان یکی از موضوعات نوین در آثار فلاسفه تعلیم و تربیت، اصول و مبانی تربیت هنری، از منظر آیت‌الله جوادی آملی مورد واکاوی قرار گیرد.

یافته‌های تحقیق: از منظر آیت‌الله جوادی آملی، هنر در کنار اخلاق و باورها و آگاهی‌ها، در زمره مصادیق فرهنگ شمرده می‌شود و به ظهور انسان‌هایی رشدیافته و جامعه‌ای متعالی می‌انجامد.

نتیجه‌گیری: آیت‌الله جوادی آملی، عقل‌گرایی و فطرت‌پذیری و اخلاق‌مداری را به عنوان مهم‌ترین مبانی تربیت هنری، بر شمرده‌اند. در منظومه فکری آیت‌الله جوادی آملی اصول تربیت هنری نیز که از مقایسه و ملاحظه مبانی و اهداف به دست می‌آید، در دو اصل «لزوم توجه به دیداری‌ترین و بیرونی‌ترین نمود آثار هنری» و همچنین «ضرورت توجه به مضامین یا درون‌مایه‌های آثار هنری» مورد توجه قرار گرفته است. ایشان رسالت هنر و هنرمندان را مدیریت جامعه به وسیله عقلانیت دانسته‌اند.

واژه‌های کلیدی

هنر، تربیت هنری، تعلیم و تربیت، آیت‌الله جوادی آملی.

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان. m_mohases@sbu.ac.ir

۱- مقدمه

خداوند متعال در تمامی افراد بشری، استعداد و نیروی ادراک هنر را به ودیعت نهاده است. هنر به عنوان یک واسطه و زبان مفاهمه در میان انسان‌ها، دارای کارکردهای اجتماعی، سیاسی، فلسفی، علمی، دینی و... است، اما منشأ صدور آن باید ناشی از یک فرایند حسی درونی و واجد دو بُعد هم‌زمان مادی و معنوی باشد که البته بینش و جهان‌بینی در شکل‌گیری و جهت‌گیری آن تأثیر دارد. امروزه جهانی‌سازی طیف متنوعی از جاذبه‌های بیرونی را با نام «هنر»، برای ترغیب و جذب افراد فراهم ساخته و بدین‌سان زمینه مناسبی برای ایجاد جاذبه برای تبلیغ فرهنگ غربی مهیا شده است؛ جاذبه‌هایی در اصل دام‌هایی به‌ظاهر هنرمندانه و زیانناک هستند که توسط مدیران پروژه جهانی‌سازی گسترده شده‌اند. این هجمه در کنار خلأهای تربیتی خانواده‌ها و نظام آموزشی، به شکل‌گیری انسان‌هایی عاری از غنای اخلاقی می‌انجامد. باید اذعان داشت «هر دانشی ممکن است در راه مثبت برای تعالی انسان یا در راه منفی برای انحطاط او مورد استفاده قرار گیرد، اما این موضوع در هنر به گونه قوی‌تر، واضح‌تر و خطرناک‌تری مصداق دارد. هنر مصداق بارز تیغ دو لبه است. هنر ممکن است عامل عروج، هدایت و تعالی انسان اعم از هنرمند یا جامعه گردد و ممکن است عامل اضمحلال، گمراهی و سقوط انسان شود» (تقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۰). هرچند در اولویت‌بندی‌های معاصر، تربیت هنری همچون امری تکمیلی و غیرضروری قلمداد شده است، لکن از آنجایی که از همگان انتظار می‌رود، از درک زیبایی‌شناختی شایسته‌ای برخوردار باشند؛ اخیراً فلاسفه تعلیم و تربیت توجه خاصی به تربیت هنری مبذول داشته‌اند (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۰۴). مقاله «هنر دینی از منظر آیت‌الله جوادی آملی» از حمیدرضا خادمی و سیدمسعود مسعودیان به تبیین کارکردها و ویژگی‌های معرفتی هنر با تأثیرپذیری از دیدگاه حکمت متعالیه ملاصدرا پرداخته است. پژوهش حاضر با روش اسنادی (کتابخانه‌ای) درصدد تحلیل این مسئله برآمده است که جایگاه بحث تربیت هنری در آثار اندیشمندان چیست؟ مسئله دوم ناظر به این امر است که اصول تربیت هنری در پرتو آراء و نظرات آیت‌الله جوادی آملی چگونه بیان شده است؟

با وجود تأکید فراوان اندیشمندان نسبت به لزوم تربیت هنری، این حوزه از نظام آموزشی با چالش‌های بسیاری روبه‌روست. به عقیده یکی از معاصران، مغفول ماندن تربیت هنری در نظام

آموزشی کشور، موجب رشد نکردن بسیاری از قابلیت‌های دانش آموزان و در نتیجه ناکارآمدی نظام آموزشی در تحقق بسیاری از اهداف خود می‌شود (امینی، ۱۳۸۳: ۴-۶). برخی نیز تلویحاً به ضرورت تربیت هنری اذعان داشته و معتقدند از آنجایی که هنر نغزترین و پیراسته‌ترین آفرینش آدمی است، باید هدف‌دار و برخوردار از پیام‌های والای اخلاقی باشد. با توجه به این که هرگز نمی‌توان هنر را با شیوه‌های برونی، دستوری و فرمانی حفظ و اداره کرد، لازم است پیشاپیش زمینه‌های روانی و فرهنگی آن آماده شود (کزازی، ۱۳۸۱: ۲۳۶).

۲- مبانی نظری

به دلیل آن‌که تعریف مفاهیم بنیادین در هر پژوهشی ضرورت دارد، ابتدا چستی «تربیت»، «زیبایی و هنر» و «تربیت هنری» بیان می‌شود.

۲-۱- چستی تربیت

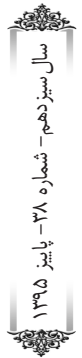
تربیت در زبان عربی از «رب» سرچشمه گرفته و معنای اصلی آن سوق دادن شیء به سوی کمال و برطرف کردن کمبودها به واسطه جایگزینی است؛ این فرایند می‌تواند در جهت ذاتیات شیء و عوارض و یا در اعتقادات، اخلاق، صفات، اعمال و رفتارها، همچنین در دانش‌های رایج باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۹/۴). این واژه در زبان فارسی به معنای پروردن و اخلاق را به کسی یاد دادن به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۵۷۷۶/۴). تربیت در اصطلاح فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی به مرور زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاکردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). انسان دارای ابعاد گوناگونی برای تربیت است و تربیت شایسته باید به رشد و پرورش تمامی این ابعاد توجه کند. یکی از این ابعاد، بُعد تربیت هنری است که نقش بسیار مهمی در سلامت روح انسان و سعادت او دارد.

موضوع تربیت یکی از موضوعات بسیار بااهمیت در نگرش آیت‌الله جوادی آملی به شمار می‌آید. ایشان آموزش مهارت‌های ضروری و رشد افراد جهت پذیرش موقعیت‌های اجتماعی،

حفاظت از فرهنگ و تأمین نیازهای لازم فرهنگی و نوآورانه را به‌عنوان یکی از وظایف اصلی نهادهای تربیتی دانسته و در دسته‌بندی درجات و جایگاه سازمان‌ها، نهاد تعلیم و تربیت را برترین و مهم‌ترین سازمان برشمرده‌اند زیرا تنها نهاد اجتماعی است که در جهت به‌فعلیت رسانیدن قوای عقلانی و استعداد حیات انسانی فعالیت اساسی می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج: ۵). از منظر ایشان شکل‌گیری شایسته جامعه و صیانت آن از تزلزل‌ها، مرهون تربیت نفوس آن جامعه است (همان: ۷۳) و در این راستا دین اسلام به تعلیم و فراگیری علوم سودمند دستور می‌دهد و همان‌گونه که تعلّم بر جاهلان واجب است، تعلیم نیز بر معلمان واجب می‌باشد (همان، ۱۳۸۰: ۲۱۷).

۲-۲- چستی زیبایی و هنر

گرایش به زیبایی، یکی از پایدارترین و اصیل‌ترین ابعاد فطرت انسان است. ابداعات هنری و خلاقیت‌هایی که در انواع هنر پدیدار می‌شود، همه در اثر همین گرایش در وجود آدمی است. شهید مطهری در تبیین نیازهای زیبایی‌شناختی انسان می‌گوید: انسان زیبایی را در همه شئون زندگی خود دخالت می‌دهد؛ جامه می‌پوشد برای سرما و گرما، به همان اندازه هم به زیبایی رنگ و دوخت آن اهمیت می‌دهد؛ خانه می‌سازد برای سکونت و بیش از هر چیز به زیبایی خانه توجه دارد (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۷۷/۲). بخش عمده‌ای از فرهنگ و تمدن بشر را می‌توان به زیبایی‌گرایی و نیازهای زیبایی‌خواهی منسوب دانست. در متون دینی نیز به زیبایی‌گرایی فطرت آدمی و نیاز او به زیبایی‌خواهی اهمیت ویژه‌ای داده شده است. این بُعد از وجود انسان اگر به‌طور هماهنگ با ابعاد دیگر رشد کند، در مسیر اصلی خود کمال می‌یابد و جلوه‌های زیبای خلقت خداوند را ادراک می‌کند و با کسب قدرت ادراک جمال باطنی، زیبایی‌های ظاهری او را از زیبایی اصیل و مطلق غافل نمی‌سازد (ملکی، ۱۳۸۹: ۶۴). مرتبه متعالی‌تر زیبایی‌گرایی، احساس لذت از ارزش‌های انسانی و سجایای اخلاقی است، طرز تلقی انسان‌ها نسبت به زیبایی‌ها و داوری در برابر آن‌ها با مرتبه کمالات روحی و اخلاقی آنان رابطه‌ای مستقیم دارد. هر قدر که روح انسان متعالی‌تر گردد، به ادراک زیبایی‌های متعالی‌تری دست می‌یابد و به ابعاد معنوی و باطنی بیشتری جذب می‌شود. اندیشه‌ورزی در پدیده‌های زیبای هستی می‌تواند مراتبی از رشد فطری را رقم



بزند. پرورش مطلوب این بُعد از استعداد آدمی، مستلزم ایجاد نظام آموزشی معطوف به تربیت هنری و زیبایی‌شناختی است. همان‌طور که نیروی فکر و اندیشه در فراگیرنده باید تقویت شود، لازم است به پرورش ذائقه هنری نیز توجه نمود؛ زیرا کمال انسان مشروط به رشد و ترکیب متوازن استعدادهای گوناگون بشری است. استعداد هنری هم موضوعیت دارد و هم طریقت و با استفاده از هنر و گرایش به زیبایی‌ها می‌توان موضوعات مختلف را نافذتر و لطیف‌تر آموزش داد (همان: ۳۲۷-۳۲۸).

در این راستا، هنر به معنای «معرفت امری توأم با ظرافت و ریزه‌کاری» (معین، ۱۳۷۵)، ژرف‌ترین و پیچیده‌ترین شکل بیان مشترکات انسانی است و هنرمند پدیدآورنده نوعی کمال‌یافتگی و شبکه ارتباطی میان انسان‌ها است. این مطلب پیشینه‌ای به قدمت تمدن و فرهنگ انسانی دارد و انسان از سحرگاه تاریخ با آفرینش‌های هنری سروکار داشته است (قره‌باغی، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۳). ارسطو زیبایی هنر را در تناسب و اتحاد اجزاء و نظم و هماهنگی میان جزء و کل و تقلید از نمونه‌های الهی دانسته است (دانشور، ۱۳۷۵: ۱۸۴). هرچند بر اساس دیدگاه‌های مختلف، تعاریف متفاوتی از هنر ارائه شده، اما تلقی از هنر به‌عنوان یک بستر پیام‌رسان اجتماعی که به تبیین رفتارهای اجتماعی می‌پردازد و در اثبات یا نفی آن می‌کوشد، موضوعی پذیرفته شده است. در میان فلاسفه متأخر، کانت مفهوم هنر را ملازم با آزادی می‌داند و معتقد است که عنوان هنر را باید به اموری منسوب کرد که با آزادی به وجود آمده‌اند و مخلوق اراده‌ای هستند که برهان و منطق هدایت‌گر آن است. از نظر شیلر، مقصد هنر، زیبایی است بدون آن که هیچ سود و پیشرفت علمی از آن حاصل شود (قطبی، ۱۳۵۲: ۱۱). تولستوی نویسنده روس، ویژگی ذاتی هنر را بیان و انتقال احساسات درونی هنرمند به مخاطب می‌داند؛ از این منظر یک اثر هنگامی هنری محسوب می‌شود که احساسات پدیدآورنده را به مخاطبان خویش انتقال دهد، بنابراین بنیاد هنر بر اساس سرایت عواطف از هنرمند به مخاطب نهاده شده است (تولستوی، ۱۳۶۴: ۵۵). پیدایش مکتب فرمالیسم یا صورت‌گرایی موجب شد بر ویژگی ذاتی هنر در بازنمایی صورت‌ها یا نمودها در جهت جلب توجه انسان‌ها تأکید شود (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵: ۵۷-۶۰). در طول سیر تطور مفهوم هنر، اندک‌اندک هنر به‌عنوان یک محتوای فرهنگی و نیز زبانی مشترک در خدمت انسان و

یک ضرورت در روند تکامل اجتماعی، برای بیان احساسات و افکار فردی و اجتماعی مدنظر قرار گرفت (فیشر^۱، ۱۳۵۴: ۸). هنر و زیبایی به سبب رابطه تنگاتنگی که با احساس آدمی دارند تکامل پذیر هستند، به طوری که اگر این رابطه تنگاتنگ در وجود انسان برقرار شود، با احساسی پویا و جاودانه به کانون هستی بخش عالم تعلق پیدا کرده و کرانه آن از ازل تا ابد گسترده می شود؛ بنابراین هنر جاودانه و پویا هنری است که در اختیار جاودانگی و کمال خواهی قرار گیرد، لذا یک اثر هنری وسیله ای برای ابلاغ یا ایضاح معرفت است (اسفندیاری، ۱۳۷۸: ۵۳-۵۴). از نظر برخی نیز هنر پدیده ای انسانی است که با نوعی خلاقیت، آفرینش گری، تخیل و زیبایی ملازمت دارد (ایزدپناه، ۱۳۷۸: ۷۰). این خلاقیت و آفرینش گری در مکتب اسلامی، به غیایاتی کاملاً مشخص پاسخ می دهد و در حقیقت دارای ویژگی های کاربردی است (میکون، ۱۳۸۳: ۲۰۵). این نکته شایسته یادآوری است که یکی از مشخصه های انسان مطلوب از منظر نظام آموزش رسمی و فرایند تعلیم و تربیت، زیبایی گرایی و برخورداری از لطافت هنری است (ملکی، ۱۳۸۹: ۳۲۷).

برقراری رابطه معنادار میان مفاهیم، تحول در ساختارهای شناختی و انتقال یادگیری در بسترها و بافت های جدید در زمره مواردی است که گویای اهمیت هنر می باشد (کاردان، ۱۳۷۹: ۴۳-۴۷). در فلسفه جدید آموزش هنر، شکوفایی استعدادها از طریق هنر، به عنوان ضرورت وجودی تربیت هنری بر شمرده شده است (شکوهی، ۱۳۷۵: ۳۲)؛ به عبارت دیگر از آنجایی که آموزش از راه هنر موجب تفهیم سریع تر و سهل تر مسائل به گروه های سنی مختلف می شود، این موضوع اهمیتی مضاعف می یابد (هزاوه ای، ۱۳۶۲: ۱۲). از منظری دیگر هنر به امری مقدس، متعالی و رهایی بخش توصیف شده (شریعتی، ۱۳۶۶: ۸) و برخوردار از نوعی ارزش اخلاقی دانسته شده است، به نحوی که از رهگذر القاء غیر مستقیم ارزش ها و نگرش ها، تأثیرات اخلاقی بر جای می نهد (شپرد، ۱۳۷۷: ۲۳).

یک اثر برجسته هنری نقشی اساسی در تحول بینش ها و گرایش ها، همچنین تغییر رفتار و تکامل مخاطبان دارد؛ بنابراین در فرهنگ سازی و قدرت تبدیل ایده به کنش که مهم ترین آرمان ادیان و فرهنگ ها می باشد، بسیار اثر گذار است (میرزابیگی، ۱۳۸۲: ۱۷-۲۰).

1. Ernst Fischer.
2. Shepherd.

از منظر آیت‌الله جوادی آملی هنر در کنار اخلاق و باورها و آگاهی‌ها، موجب تداوم زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌شود و در زمرهٔ مصادیق فرهنگ شمرده می‌شود و اساس پویایی جامعه محسوب می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، الف: ۳۵۲) و موجب رشد فرهنگی و ایجاد جامعهٔ متعالی و انسان‌های باکمال می‌گردد (همان: ۳۵۳).

به عقیدهٔ ایشان هنر یک کمال وجودی است و آنچه از آن در ذهن ما رسم می‌شود، از سنخ مفهوم است نه ماهیت؛ مراتبی دارد که عالی‌ترین درجهٔ آن برای والاترین مرتبهٔ هستی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، الف: ۲۳۷/۳). «حقیقت هنر، صراط مستقیم است که معبر صعود و نزول انسان کامل است. این هنر برین، نه تنها معقول را با میانجی‌گری مثال با محسوس هماهنگ می‌کند و آهنگ گوش‌نواز توحید را زمزمه می‌نماید، بلکه با هم‌آوا نمودن تکوین و تشریح، اصل هنر را معنا و وجود آن را اثبات و نیل به آن را ترغیب و راه وصول به آن را تعلیم و ره‌یافتگان به آن را تکریم می‌کند» (همان).

۲-۳- چستی «تربیت هنری»^۱

«تربیت هنری» یکی از انواع تربیت مبتنی بر استعداد ویژهٔ وجود آدمی است. در «تربیت هنری» از انواع هنرهای مختلف و جنبه‌های زیباشناسانهٔ پدیده‌های پیرامونی استفاده می‌شود. تربیت هنری به فرایند افزایش و رشد تیزبینی و حساسیت فرد نسبت به زیبایی‌شناسی اشیاء و پدیده‌ها و نیز شکوفایی قابلیت‌های هنری گفته می‌شود. تربیت هنری یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی پیشرو است. اهمیت این کارکرد از آنجا ناشی می‌شود که در ایجاد و بارورسازی زمینه‌های سازنده مانند بروز نوآوری، خلاقیت، رشد مهارت‌های فکری و شناختی، پرورش و تعدیل عواطف و ایجاد تغییرات عمیق در سلوک فردی تأثیری شگرف دارد (امینی، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۷). صاحب‌نظران معتقدند بهبود مهارت‌های فکری و شناختی، پیوند اطلاعات از منابع متنوع و تولید ایده‌های نوین (آیزنر، ۱۳۸۵: ۵۶) و رشد قابلیت‌های وجودی (دبونو، ۱۳۸۴: ۶۹) در فرایند تربیت هنری پدیدار می‌شود.

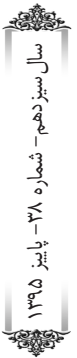
تربیت هنری با ایجاد رشد و بروز استعدادها و شناختی و عاطفی و مهارتی نقش اساسی، زمینه را برای درک ارزش‌های واقعی فراهم می‌نماید؛ همچنین در کاهش اضطراب و تنش‌های روانی،

1. Art Education.

تعدیل عواطف و کنترل احساسات، ایجاد حس خودارزشی، رشد خود راهبری، تسهیل یادگیری اجتماعی، کسب بینش و بصیرت بسیار مؤثر است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۰). رابرت فیشر درباره به کارگیری تربیت هنری معتقد است راهبرد برای پرورش تفکر دیداری است (فیشر، ۲۰۰۱: ۳۸۸).

فلاسفه، تربیت هنری را به عنوان پایه های اولیه تربیت و ابزاری جهت لذت مند نمودن یادگیری مورد توجه قرار داده اند؛ به نظر افلاطون تربیت هنری زمینه ساز پرورش عقلانی است و در سنین اولیه که شاگردان هنوز قادر به تفکر نیستند، لازم است روان آنان از طریق هنر، نظم و پالایش یابد تا در مراحل بعدی، تحت تربیت صحیح عقلانی قرار گیرند. فارابی نیز معتقد است برای ترویج ارزش ها و فضایل اخلاقی و دینی در جامعه، باید از طریق هنر، قوه خیال عموم مردم پرورش داده شود، زیرا بیشتر آن ها از طریق اقناع و تخیل مطالب را می پذیرند نه بر اساس تعقل. وی جهت دهی به تخیلات عمومی جامعه را که از طریق هنر انجام می پذیرد در وهله اول وظیفه زمامداران آن جامعه می داند (میرزا محمدی، ۱۳۸۱: ۲۰۷ و ۲۱۳). از منظر آیریس مرداک (۱۹۱۹-۱۹۹۹) نیز تربیت هنری موجب می شود ظرفیت روانی افراد افزایش یابد و به نقطه ای فراتر از پیش داوری های شخصی نائل و با واقعیات روبرو شوند (نواب، ۱۳۹۳: ۲۰).

صاحب نظران علوم تربیتی نیز بر لزوم ورود تربیت هنری به نظام آموزشی تأکید نموده اند؛ به عنوان مثال آیزنر (۱۳۸۵) معتقد است امروزه هنرها به جای این که صرفاً وسیله ای زینتی قلمداد شوند، باید بخشی ضروری از ساختار آموزش و پرورش به شمار آیند. پرکینز بر کارکرد ابزاری هنر اصرار ورزیده و با تأکید بر نقش تربیت هنری در تحقق اهداف شناختی و رشد مهارت های فکری پیشرفته در دانش آموزان، سعی بر در مشروعیت بخشی به تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش داشته است (تمنایی فر و دیگران، ۱۳۸۸: ۵-۶). تربیت هنری، پاسخ گوی سرشت زیبایی طلب انسان و زمینه ساز توسعه نوآوری ها و خلاقیت های آتی جوامع می شود. پرورش روحیه خویشتر داری، تقویت اجتماع پذیری، انتقال غیرمستقیم یا ضمنی مفاهیم اخلاقی، پیشگیری از آسیب های روانی و اجتماعی، درمان اختلالات روحی و شناسایی ناهنجاری ها و حتی شکل دهی به افکار عمومی جامعه از ثمرات بهره گیری از ابزار تربیت هنری به شمار می آید.



در جریان تربیت هنری، آشنایی با تاریخ هنر، الهام‌بخش اندیشه هنری است و در رسیدن به ایده‌ها و آثار جدید علمی و هنری کمک کند (بولین و هاسکینگز، ۲۰۱۵: ۴۰). از آنجایی که تربیت با تشویق فرد به فکر کردن موجب اقدام متناسب با موقعیت در افراد می‌شود و در واقع انسان تربیت‌شده، انسانی معتدل است که میان اخلاق و هنر، و اخلاق و لذت تعارضی قائل نیست بنابراین از طریق تربیت صحیح می‌توان هنر را با اخلاق جمع کرد. امروزه اگر در هنر ضعف اخلاقی وجود دارد، اشکال از کار تربیتی است (شریعتمداری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). تقویت تفکر انتقادی یا مواجهه منطقی و منتقدانه با محصولات هنری یکی از شیوه‌های مؤثر است. صاحب‌نظران عرصه تربیت هنری، اهداف و غایاتی را مدنظر قرار داده و سه رویکرد در تربیت هنری مطرح نموده‌اند:

الف- رویکرد تربیت هنری تولیدمحور

در این رویکرد هنرسازی، موضوع محوری و اساسی به‌شمار می‌آید. از این منظر برنامه‌های درسی هنر آن‌گاه دارای اثربخش مطلوب است که از مهارت‌ها و قابلیت‌های کارکردی زیبایی‌شناختی نیز برخوردار باشد (امینی، ۱۳۸۴: ۴۵). معروف‌ترین صاحب‌نظری که بر این رویکرد در قلمروی تربیت هنری تأکید می‌نماید، گاردنر است. وی با ارائه هوش‌های چندگانه، دیدگاه جامعی نسبت به توانایی‌های هوشی انسان ارائه می‌دهد و تولید هنری را یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دانستن می‌داند و تأکید می‌نماید در قلمروی تعلیم و تربیت باید به تبیین دانش کلامی و مفهومی، همچنین پرورش مهارت‌های دستی اقدام نمود (گاردنر، ۱۹۹۰: ۴۰).

ب- رویکرد مبتنی بر فهم عمیق معانی

این رویکرد نسبت به برقراری تعامل فعال با پدیده‌ها و آثار هنری، به‌منظور درک و شناخت عمیق آن‌ها و همچنین استنباط و استخراج معانی و مضامین اصلی، تأکید دارد. برودی که نماینده این رویکرد در تربیت هنری است، تأکید می‌نماید اساساً جایگاه تربیت هنری نه بر مبنای تولید محصولات زیبایی‌شناسانه بلکه بر اساس تأثیر و کمک آن به رشد ارزش‌های زیبایی‌شناختی است

1. Paul E. Bolin and Kaela Hoskings.
2. Gardner.

(امینی، ۱۳۸۴: ۴۶) بدین ترتیب عرصه‌ای فراهم می‌شود که فراتر از آگاهی و شناخت جنبه‌های حسی و رسمی آثار هنری، ابعاد معنایی و تجلی‌یافته و ابراز شده آن‌ها، عمیقاً درک و شناسایی گردد.

ج- رویکرد مبتنی بر تیزبینی و مشاهده آثار هنری

در این رویکرد توجه اصلی بر مشاهده دقیق و موشکافانه آثار هنری با هدف دریافت دلالت‌ها و پیام‌هایی است که در نگاه اجمالی آشکار نمی‌شود. پرکینز بر لزوم نگاه متفکرانه به آثار هنری اهتمام داشته است. وی آثار هنری را محل مناسبی برای تمرین و تقویت بینش و زمینه‌ای برای اندیشیدن ممتاز می‌داند و معتقد است این ویژگی به جاذبه‌های احساسی و عاطفی هنر بازمی‌گردد. جریان‌های سکولار هنری ترویج یافته در غرب، به جای الزام هنرمند در صدور پیام اجتماعی، صرفاً خلق آثاری لذت‌آور و برانگیزاننده از جهت احساسی را دنبال می‌کند (دوونینو، ۱۳۷۹: ۱۲۱). استاد جوادی آملی از یک سو حق تعلیم و تربیت را به‌عنوان یکی از حقوق مسلم در دین اسلام برمی‌شمرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ب: ۳۱۷) و از سوی دیگر با استناد بر تعلیم قرآنی، تأکید فراوانی بر لزوم اهتمام به تربیت هدفمند انسان‌ها متناسب با شرایط سنی مختلف دارند. ایشان تصریح می‌نمایند: امروزه به‌تناسب رشد امکانات صنعتی، توان استفاده از بازیچه‌ها و سرگرمی‌ها نیز افزایش یافته و بشر برای هر گروهی از افراد جامعه اعم از نوسالان، کودکان، نوجوانان و بزرگسالان، بازیچه‌ای ساخته است؛ اما بر پایه بینش قرآنی در مورد ارتباط انسان و جهان، یک فرد پس از نوجوانی پا به دنیای تحقیق و حق‌جویی می‌گذارد و از مرز سرگرمی و بازی درمی‌گذرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: د: ۱۴۴). ایشان هشدار می‌دهند سخنوران غربی در پی آن هستند که «به بهانه آزادی فکری، مرییان الهی را از انجام وظایف تربیتی خود بازدارند و آن‌گاه با پیشرفته‌ترین ابزارهای تبلیغی و فرهنگی، خود به شکار رمة مانده از شبان پردازند» (همان: ۲۳۸).

۳- اهداف تربیت هنری از منظر آیه الله جوادی آملی

اساساً هیچ فعالیت آگاهانه‌ای بدون هدف نیست. پیش‌بینی اهداف در تربیت هنری موجب شناخت روش‌ها و تهیه ابزار مناسب جهت رفع موانع، هماهنگی میان فعالیت‌های متولیان این

1. John du Vigneaud.

امر، ایجاد انگیزه و تحرک بیشتر برای رسیدن به مقصود و دستیابی به شاخصی برای سنجش میزان موفقیت در این کار می‌شود. هدف تربیت هنری، پرورش ادراک هنر مطلوب و شکل‌دهی به سلايق مخاطبان آثار هنری و حساسیت‌بخشی در سنجش آثار هنری و برخورد آگاهانه با محصولات متنوع هنری است. هرگونه کاستی در حوزه تربیت هنری موجب رسوخ بسته‌های هنری مدرن توسط بیگانگان خواهد شد. اهداف تربیتی با توجه به سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری طبقه‌بندی می‌شود که البته از منظری دیگر به اهداف غایی، متوسط و جزئی قابل تقسیم است. کمک به فراگیران در خلق آثار هنری، یا هنرمندانه عمل کردن (تربیت هنرمند)، تولید انتخاب‌گران هنر خوب و شایسته (آموزش زیبایی‌شناختی) توانایی فرد در درک آثار هنری، حساس‌تر کردن افراد نسبت به زیبایی طبیعت و به‌طورکلی، افزایش خلاقیت افراد (خلاقیت‌افزایی) و یا حداقل حفظ خلاقیت موجود، انتقال مهارت‌ها و پیشرفت تحصیلی، پرورش تخیل، پرورش تفکر و رشد شناختی و ذهنی، رشد اخلاقی، شکل‌گیری هویت فرهنگی، رفتارسازی در جامعه و هدایت افراد به‌سوی هنجارها و بارورسازی تفکر انتقادی و حل مسئله (آقایی، ۱۳۶۶: ۶۴-۶۹) از جمله مهم‌ترین اهداف تربیت هنری محسوب می‌شوند.

برخی از محققان تربیت هنری را یکی از بهترین و مؤثرترین ابزارها در پیشگیری از خودباختگی‌های فرهنگی دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۷۳: ۱۹)، زیرا در قالب بازنمایی هنری، موضوعات و ارزش‌های فرهنگی به جوانان انتقال می‌یابد. از سوی دیگر چنانچه نظام‌های آموزشی بخواهند در تربیت کنش‌گران اخلاقی توفیق یابند به‌طوری‌که کردار آنان هم‌زمان از صبغه شناختی، عقلانی، عاطفی و احساسی برخوردار باشد، لازم است در درجه نخست بستر تربیت هنری را فراهم نمایند و از امتیازات تجربه زیبایی‌شناختی بهره‌برداری کنند (تمنایی‌فر و دیگران، ۱۳۸۸: ۹). امروزه اهمیت ابزاری تربیت هنری در راستای تربیت دینی جامعه، امری ثابت شده است و «اثربخشی ناکافی آموزش‌های مستقیم در تربیت دینی باعث شده است تا متخصصان تعلیم و تربیت در پی روش‌های غیرمستقیم و بهره‌گیری از سایر رشته‌ها و به‌ویژه حوزه‌های هنری به‌منظور گسترش تعالیم اسلامی باشند» (صابری، ۱۳۹۱: ۱۱۴). به عقیده برخی، جامعیت آموزش ارزش‌ها با استفاده از ابزار هنر، تضمین‌شدنی است، زیرا تحقق طیف وسیعی از ارزش‌های ترکیبی و پیچیده

بدون استفاده از ابزار هنر دست‌نیافتنی است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۶۷). هنر و نمادهای مرتبط با آن به‌عنوان ابزاری مفید می‌تواند در خدمت اندیشه‌های دینی و رشد و تعالی انسان‌ها قرار گیرد و البته نباید هنر را بدون قید و شرط و با هر شکلی، ذاتاً ارزشمند دانست (جعفری، بی‌تا: ۱۳۷). پرورش انسان‌هایی با قدرت آفرینش زیبایی‌های هنری، منوط به اتخاذ سازوکار مناسب برای تربیت انسان‌هایی با دانش هنری است تا هم از هنر لذت ببرند و هم در تربیت دینی دیگران مؤثر واقع شوند. در این راستا تربیت هنری انضباط‌محور به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در آموزش هنر مطرح است که عبارت از خلق آثار هنری با استفاده از دست‌ورزی کردن با مواد و وسایل مختلف و بروزافکار و تمنیات درونی، تاریخ هنر یا بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی پدیده‌های هنری، نقد هنری یا توصیف و تفسیر و ارزشیابی و نظریه‌پردازی در مورد کارهای هنری و همچنین زیبایی‌شناسی است (صابری، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

بر مبنای تعریف استاد جوادی آملی، هنر به رشته خاصی محدود نمی‌شود، بلکه به تناسب هر یک از حواس، می‌توان هنرهایی را برشمرد و آثار هنری را پدید آورد. ایشان زیبایی و هنر را دارای تفاوت جوهری می‌دانند و هر دو را زیرمجموعه کمال می‌دانند و برای هر کدام وجه حسی و عقلی قائل‌اند. ایشان اصالت را به منشأ عقلی در اثر هنری منسوب می‌دانند و آثاری را که فقط از تأثیر خیال و وهم ناشی شوند را غیر اصیل می‌خوانند (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف: ۲۴۰/۳-۲۴۲). ایشان ضمن تفسیر آیات ۱۲-۱۳ سوره سبأ تأکید فراوانی بر شکوفایی هنر در عصر حکومت حضرت سلیمان(ع) دارند و می‌فرمایند: کارگزاران نظام اسلامی حضرت سلیمان(ع) هم در عرصه معماری، بناهای بلند و قصرهای منیع می‌ساختند و هم در صنعت نقاشی و هنر، تمثال فرشتگان و پیامبران و صالحان را با زیبایی ترسیم می‌کردند تا ضمن تشویق به هنر و ارضای غریزه هنرجویی، روش بهره‌برداری درست را ارائه نمایند و اسوه‌ها را به‌صورت نقاشی، در مقابل دیدگان مردم نصب کنند تا آن‌ها با مشاهده نقش، هنر بیاموزند و با شهود منقوش، سعادت را تحصیل کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۲).

۴- مبانی تربیت هنری از منظر آیت‌الله جوادی آملی

واژه «مبانی» جمع «مبنا» و در لغت به معنای بنیان، اساس و بنیاد است (دهخدا، ۱۳۷۲). مبانی

تربیت هنری به آن دسته از اندیشه‌های اساسی و بنیادین و گزاره‌های هست‌نما اطلاق می‌شود که زیربنای فرایند تربیت هنری در منظومه فکری آیت‌الله جوادی آملی را تشکیل می‌دهند. از منظر ایشان در جهان‌بینی الهی، هدف افراد در جامعه، پیوند دو نشئه دنیا و آخرت در جهت نیل به لقای الهی است. با توجه به این هدف اصلی، با هر وسیله‌ای نمی‌توان به این هدف رسید بلکه هدف مشخص را باید با کارهای معین و اصول و مبانی خاصی دنبال کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ج: ۸۷) مهم‌ترین مبانی تربیت هنری از منظر ایشان عبارت‌اند از:

۴-۱- عقل‌گرایی

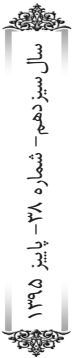
بنا بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی از آنجاکه هنر، حصارهای زمانی و مکانی را می‌شکند و پیام خود را در هر عصری به مخاطب خود می‌رساند، پس ماندگاری تاریخی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف: ۱۵۶/۱) ایشان بر تعدیل خیال و نه تعطیل آن در پرتو ولایت عقل تأکید دارند (همان). ایشان با آسیب‌شناسی هنر نازل، بر لزوم حفظ و تقویت سه عنصر «معرفت» و «قدرت» و «امانت» اشاره می‌کنند زیرا این عناصر خیال انسان را محدود و عقل را در دریافت پیام و حیانی در قالب هنر ایمن می‌سازند (همان). استاد جوادی آملی هنر عاری از مبانی عقلی را به «هنر خیالی» تعبیر می‌کند و تحقق هنر معقول را مشروط به برخورداری از ریشه عقلانی می‌داند، عقلی که متکی به وحی و خالی از وهم و ضلالت و دارای ادراکی ناب و ایمن از گزند وهم و قیاس و گمان باشد. لذا خیال‌پردازی را بدون تکیه بر عقلانیت، زمینه‌ساز انحراف هنرمند و اثر هنری و خروج از رسالت حقیقی هنر می‌داند. از این منظر است هنر الهی، جهان را از عقل شروع نموده و به عاقل ختم می‌نماید (همان). به عقیده ایشان اگر هنرمند چیزی را از ساحت معقول به دست نیاورد، در توهم و خیال صرف است.

به عقیده آیت‌الله جوادی آملی، خروجی کارگاه خیال باید برخوردار از وجوه عقلانی باشد و گرنه هیچ ثمره‌ای برای جامعه نخواهد داشت و حتی جامعه را به انحطاط خواهد کشاند. بدین سان هنر را به هنر «نازل» و «متنزل» تقسیم می‌کنند. ایشان هنر غیردینی را که فقط از خیال هنرمند و بدون تأثیر از عقل منزّه و تنها ناظر بر عالم ماده و ناسوت باشد، هنر نازل می‌نامند (خادمی، ۱۳۹۴: ۱۵).

ایشان با بیان این‌که اگر هنر بتواند پس از شکوفایی، خودش را عرضه کند به رسالت عظیم خود دست یافته است، تصریح می‌کنند: «برای این‌که مخاطبانی داشته باشیم که از ما سؤال بپرسند و با عقل خود، ما را همراهی کنند به طوری که هم خودمان لذت ببریم و هم آن‌ها لذت ببرند، باید کالایی به آن‌ها بدهیم که هم سنگین باشد و هم قابل حمل». از این رو تأکید می‌نمایند: باید مطلبی به مخاطبان بدهیم که عقل و خیال و وهم آن‌ها را درگیر کند و چشم و گوش آن‌ها این مطالب را تصدیق کنند و با همه قوا و حواس نگاه کنند؛ اگر هنر بتواند قاموس و برهان قاطع و جامع و لغت‌نامه‌ای داشته باشد که فعل را برای آن معنای بلند وضع کند و بنویسد، به علم تبدیل می‌شود (پایگاه بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء).

۴-۲- فطرت‌پذیری

«فطرت» به‌عنوان جوهر وجودی انسان، نقشی اساسی و محوری در تنظیم حیات انسانی و به‌کارگیری قوای عقلانی و استفاده از آموزه‌های و حیانی ایفا می‌کند. در نگاه اسلامی، فطرت، هویت انسان است و تغییرات فطرت‌مدار، زمینه‌ساز تکامل همه‌جانبه وی فراهم خواهد کرد. در نگرش آیت‌الله جوادی آملی، فطرت به‌عنوان جوهر خاص هستی انسان و دربردارنده گرایش‌های عملی و همگانی است و دارای ارزش حقیقی و ملاک تعالی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۷). از این منظر، حس تمایل به زیبایی و ابتکار و نوآوری، از جمله گرایش‌های فطری آدمی محسوب می‌شود که به نحوی با موضوع هنر پیوند دارند و به عقیده ایشان تمامی این امیال در زیر فطرت کمال‌خواهی مندرج است (همان، ۶۰). ایشان از علوم فطری با عنوان علوم میزبان یاد می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۱۷) و معتقدند چنانچه سنتی از میثاق الهی و فطرت دینی برخاست، باید آن را شکوفا کرد و اگر در برابر عقل و فطرت بود، باید آن را زدود (همان: ۲۱۸). ایشان می‌فرمایند: صیانت فطرت از لوث طبیعت مادی و فرورفتگی در دنیا موجب می‌شود که انسان همواره نوای دلپذیر ازلی را بشنود، زیرا فطرت طاهر هرگز قربانی طبیعت آلوده نمی‌شود. همچنین تأکید می‌نمایند که درجه وجودی فطرت انسانی بر طبیعت او مقدم است و انسان باید فطرت خویش را امام و طبیعت خود را مأموم او قرار دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ب: ۱۲۸).



۴-۳- اخلاق‌مداری

حرکت تعالی‌جویانه انسان به سوی غایت هستی، مستلزم تعهد نسبت به ارزش‌های اخلاقی است. از نظر آیت‌الله جوادی آملی مسائل اخلاقی و قضایای ارزشی خارج از حوزه استدلال و برهان نبوده و تنها بیانگر گرایش‌های شخصی نمی‌باشند بلکه قضایایی هستند که در افق گسترده جهان‌شناسی الهی از نفس‌الامری متناسب با خود برخوردار هستند و از این رو مورد استدلال منطقی قرار می‌گیرند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ب: ۱۲۰) اهمیت اخلاق تا جایی است که می‌توان اذعان داشت هدف خلقت انسان، تخلق به اخلاق الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ب: ۶۶).

از منظر ایشان هنر فعلی است که به دو شاخه «دینی» و «غیردینی» تقسیم می‌شود. ایشان معتقدند زیبایی، حقیقتی است که با دستگاه ادراکی انسان ملایمت داشته باشد و هنر، خلاقیتی برخاسته از این دستگاه ادراکی است، به عبارت دیگر در نظر ایشان چیزی که ملایم با دستگاه ادراکی شخص باشد، زیبا است و کسی هنرمند آن است که چنین شیء هماهنگی را بیافریند. به این ترتیب ویژگی اصلی هنر، خلاقیت دستگاه ادراکی انسان است که البته این دستگاه به زیبایی نیز مرتبط است (پایگاه بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء).

۵- اصول تربیت هنری از منظر آیه الله جوادی آملی

اصول از ماهیتی هنجاری برخوردارند و ناظر به بایدها هستند و به عنوان ابزاری برای قلمداد می‌شوند؛ البته ذکر این نکته ضروری است که اصول معیارهایی کلی برای گزینش روش‌های گوناگون دستیابی به اهداف نیز هستند؛ از این رو اصول، شاخص و راهنمایی برای انتخاب روش‌های تربیتی به‌شمار می‌آیند (هوشیار، ۱۳۸۳: ۶-۱۰)، به تعبیر دیگر اصول مجموعه قواعدی هستند که به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می‌کند (باقری، ۱۳۸۴: ۶۵/۱) یکی از محققان در تعریفی جامع، «اصول» را این‌گونه تعریف کرده است: «مفاهیم یا گزاره‌های کلی انشائی یا بایدمحور هستند که معیار و راهنما و حاوی روش‌های تربیتی‌اند» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۳۵) در این راستا «اصول تربیت هنری» عبارت‌اند از قواعد کلی تربیت هنری که از مقایسه و ملاحظه مبانی و اهداف به دست می‌آیند و در بردارنده بایدها هستند.

از آنجایی که «شکل» و «محتوا»، از جمله مقوله‌های کلیدی در هر اثر هنری به‌شمار می‌آیند، در این بخش مصادیق توجه ویژه آیت‌الله جوادی آملی به این دو مقوله بررسی می‌شود تا از این رهگذر اصول تربیت هنری استخراج گردد.

۵-۱- توجه به شکل و فرم‌های هنری

شکل یا قالب و فرم، به معنای کلیت فیزیکی و عناصر بیرونی هر اثر هنری (اوکوریک، ۲۰۰۸: ۶۶) یا همان حالت ظاهری یک اثر است که در نگاه اول آشکار می‌شود؛ به عبارت دیگر شکل یا فرم هنری، به مجموعه ویژگی‌ها و پیکره بیرونی یک پدیده اطلاق می‌شود و بیرونی‌ترین و دیداری‌ترین جنبه یک اثر هنری است. به عقیده یکی از معاصران هنر به‌مثابه جانی است که در کالبدهای گوناگون می‌تواند دمیده شود و شکل‌های متنوعی پیدا کند؛ لذا تا آن زمان که با جان هنر رویاروی هستیم، هنر یگانه است اما آن زمانی که شکل‌ها و کالبدها را در نظر می‌گیریم، هنر چندگانگی و گونه‌گونی می‌یابد (کزازی، ۱۳۸۱: ۲۳۱).

آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به «خلق هنر در غرب به‌صورت ناقص» اظهار داشتند: اگر ایران اسلامی بتواند سینما و هنر را به حد انسانی برساند و رشد دهد، در واقع تولید علم و فن کرده است و برای این کار باید اولاً واژه بازی و بازیگری را از هنر طرد کند؛ ثانیاً خلاقیتی باشد که بتواند معارف عقلی را به‌صورت خیال درآورد. ایشان با یادآوری این نکته که جهان با سینما و فیلم زندگی می‌کند، تصریح کرده‌اند: درست است که مکتوبات بر روی برخی افراد اثر می‌گذارد اما سینما و هنر تصویری حرف اول را می‌زند، یعنی گفتار و نوشتار تک‌بعدی هستند اما وقتی به صحنه تصویر درمی‌آید، هم گوش می‌شنود و هم چشم می‌بیند. ایشان می‌فرمایند: «جهان غرق در فساد است و نمونه‌های آن صرف بودجه‌های فراوان برای آدم‌کشی و لهو و لعب است و اگر رسانه رسمی کشوری، طاهر باشد هم خودش را نجات می‌دهد و هم امت را اصلاح می‌کند» (پایگاه بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء).

۵-۲- توجه به محتوای هنری

محتوا، مضمون یا درون‌مایه ناظر بر جنبه معنوی و غیرمادی یک اثر هنری است. به تعبیر یکی از نویسندگان، محتوای اثر هنری همان چیزی است که باعث اهمیت یافتن هر اثر هنری می‌شود (جنسن، ۱۳۸۸: ۲۹)، به عبارت دیگر «محتوا» عنصری ثابت است که پویایی ایجاد می‌کند و جهان هنری را به حرکت و جنبش وامی‌دارد، صورتی خاص ندارد اما صورت می‌آفریند (معین، ۱۳۸۷: ۴۳). آیت‌الله جوادی آملی رسالت هنر و هنرمندان را مدیریت جامعه به وسیله عقلانیت از رهگذر عدل محوری و نه اعتدال محوری می‌داند. ایشان با بیان تعریفی از اعتدال و عدل در این موضوع تصریح می‌کنند: اعتدال یعنی تناسب عرضه و تقاضا، یعنی اگر هرچه مردم خواستند تولید کردیم اعتدال است اما باید نیاز فعلی جامعه را در نظر گرفت و آنچه حق است تولید کرد (پایگاه بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء).

از منظر ایشان «تقریباً بیش از پنجاه درصد بودجه کره زمین صرف آدم‌کشی می‌شود. بخش زیادی از اهالی کره زمین که اهل کتاب، کتیبه، حسینیه و مسجد نیستند اما اهل هنر، فیلم، سینما هستند، اهل مجله و روزنامه‌های علمی هم نیستند تا از این طریق رویه مدیریت دنیا عوض شود لذا در شرایط کنونی، هنر سینما مهم‌ترین رسانه‌ای است که می‌تواند بازی را به هنر تبدیل کند و حیوان را انسان کند و جلوی این خون‌ریزی را بگیرد» (همان). ایشان تأکید می‌نمایند: «برای هنر اسلامی یک قانون اساسی لازم است که فرق بازی و سرگرمی با هنر را بیان کند. حال اگر کسی لفظ را عوض کند کافی نیست بلکه واقعاً باید بازی به هنر تبدیل شود و تکامل پیدا کند» (همان). ایشان هنر را دارای سه بخش تحقیق، تعلیم و تبلیغ دانسته و معتقدند هر محقق سال‌ها تلاش و کوشش می‌کند که نتیجه کارش به صورت مطلب فرهنگی درآید و به واسطه همین تولیدات فکری است که عالم تربیت می‌شوند و علما مطالب را به صورت نثر و نظم و... در اختیار مبلغان قرار می‌دهند و مبلغان نیز این مطالب را در اختیار جامعه قرار می‌دهند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

تربیت هنری به مجموعه اقدامات متناسب با موقعیت افراد در جهت افزایش و رشد تیزبینی

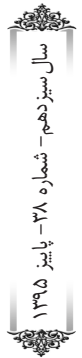
نسبت به زیبایی‌شناسی پدیده‌ها و شکوفایی قابلیت‌های هنری گفته می‌شود و در رشد و بروز استعدادها، شناختی و عاطفی و مهارتی نقشی اساسی دارد؛ همچنین تأثیر به‌سزایی در کاهش اضطراب و تنش‌های روانی، تعدیل عواطف و کنترل احساسات، ایجاد حس خودارزشی، رشد خود راهبری، تسهیل یادگیری اجتماعی، کسب بینش دارد.

آیت‌الله جوادی آملی بر لزوم استفاده‌ی ابزاری از محصولات هنری در جهت تربیت جوانان تأکید دارند. در تعریف آیت‌الله جوادی آملی از تربیت هنری، عقل‌گرایی، فطرت‌پذیری و اخلاق‌مداری از جایگاهی بنیادین، برخوردار هستند. اصول تربیت هنری که از مقایسه و ملاحظه‌ی مبانی و اهداف به دست می‌آیند، در منظومه‌ی فکری ایشان، در دو اصل لزوم توجه به دیداری‌ترین و بیرونی‌ترین نمود آثار هنری و همچنین ضرورت توجه به مضامین یا درون‌مایه‌های آثار هنری مورد نظر قرار گرفته است. ایشان رسالت هنر و هنرمندان را مدیریت جامعه به وسیله‌ی عقلانیت دانسته‌اند.

از پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که در نگره‌ی آیت‌الله جوادی آملی، تربیت هنری، دارای چهارچوبی ارزشی و فراگیر برای فرد و جامعه است و ابزاری اساسی برای کامیابی طرح تربیت اسلامی محسوب می‌شود. در این ساختار، شکل و محتوا، از ارزش‌های وحیانی و جهان‌بینی اسلامی تأثیر می‌پذیرند؛ لذا تربیت هنری ابزاری جهت تطهیر هنر از انحرافات، فساد، انزوا، جمود و همچنین تکوین معرفتی منتقد و بینا است.

۷- پیشنهادها

با توجه به آن‌که اشاعه‌ی همه‌جانبه‌ی تربیت اسلامی در جامعه، یکی از اهداف بنیادین انقلاب اسلامی است، عنایت به تمامی ابعاد تربیت و از آن جمله تربیت هنری، امری بایسته‌ی اهتمام است. در این راستا ایجاد و تقویت نوعی گفتمان هنری سازگار با ماهیت متعالی هنرها، ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی، به تسریع انتقال و گسترش حکومت اسلامی خواهد انجامید. همچنین نظر به تأثیرگذاری تربیت هنری بر عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی، انتظار می‌رود نگاهی نظام‌مند، کنترلی، حمایتی و تشویقی معطوف بدین امر شود. در این راستا تدقیق در موضوعات کلان زیر پیشنهاد می‌شود:



- لزوم برنامه‌ریزی برای جایگزین ساختن هنر اصیل اسلامی در جهت تحقق اهداف تربیتی.
- اعتباربخشی به تربیت هنری در قالب برنامه‌های درسی.
- یافتن فرصت‌ها جهت تعمیق ارزش‌های اخلاقی از رهگذر به‌کارگیری تجربه‌های حسی و انتقال مضامین ارزشی در قالب تولیدات هنری.

منابع

- آقای، حمیدمیرزا (۱۳۸۶). «تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت کودکان در آینده»، ماهنامه آیینه خیال، شماره ۵.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۷). شیوه‌های مختلف نقد هنری، تهران: انتشارات سوره مهر پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ دوم.
- آیزنر، الیوت (۱۳۸۵). آموزش هنر برای تغییر دنیا، ترجمه فاطمه‌سادات میرعارفین، تهران: رشد آموزش هنر.
- اسفندیاری، امید (۱۳۷۸). «معرفت‌شناسی هنر»، مجموعه مقالات چستی هنر، تدوین سیدعباس نبوی، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱). فقه تربیتی، مبانی و پیش‌فرض‌ها، تحقیق سیدنقی موسوی، قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان.
- افلاطون (۱۳۶۸). جمهوری، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- الیاس، جان (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر)، ترجمه عبدالرضا ضرابی، زیر نظر سعید بهشتی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم.
- امینی، محمد (۱۳۸۳). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، تهران: انتشارات آبیژ.
- ایزدپناه، عباس (۱۳۷۸). مجموعه مقالات چستی هنر، تدوین سیدعباس نبوی، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ دهم.

- بهشتی، سعید (۱۳۸۶). آیین خردپروری، تهران: موسسه دانش و اندیشه معاصر.
- پایگاه بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء: www.portal.esra.ir
- تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۴). «نقش معنویت در ارتقای کیفیت آموزش هنر»، مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- تمنایی‌فر، محمدرضا؛ محمد امینی و زینب یزدانی کاشانی (۱۳۸۸). «تأملی بر کارکردهای تربیت هنری در نظام آموزشی»، فصلنامه جلوه هنر، دوره جدید، شماره ۲.
- جعفری، محمد تقی (بی‌تا). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات شرکت سهامی وزارت ارشاد اسلامی.
-
- (۱۳۷۵). فلسفه دین، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه.
- جنسن، چارلز (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی، ترجمه بتی آواکیان، تهران: سمت، چاپ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۴). شناخت‌شناسی در قرآن، قم: نشر اسراء.
- (۱۳۷۹). فطرت در قرآن، قم: نشر اسراء.
- (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین، قم: نشر اسراء.
- (۱۳۸۱). شریعت در آیین معرفت، قم: نشر اسراء، چاپ دوم.
- (۱۳۸۵ الف). حق و تکلیف در اسلام، ۳ جلدی، قم: نشر اسراء، چاپ دوم.
- (۱۳۸۵ ب). سروش هدایت، قم: نشر اسراء.
- (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: نشر اسراء.
- (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست، قم: نشر اسراء.
- (۱۳۸۹ الف). آفاق اندیشه، قم: نشر اسراء.
- (۱۳۸۹ ب). انسان از آغاز تا انجام، قم: نشر اسراء، چاپ سوم.
- (۱۳۸۹ ج). جامعه در قرآن، قم: نشر اسراء، چاپ سوم.
- (۱۳۸۹ د). فلسفه حقوق بشر، قم: نشر اسراء، چاپ ششم.
- خادمی، حمیدرضا و مسعودیان، سیدمسعود (۱۳۹۴) «هنر دینی از منظر آیت‌الله جوادی آملی»،

فصلنامه علمی-پژوهشی حکمت اسراء، سال ۶، شماره ۳.

- دانشور، سیمین (۱۳۷۵). شناخت و تحسین هنر، تهران: سمبلک.

- دیبونو، ادوارد (۱۳۶۴). تفکر جانبی، ترجمه عباس بشارتیان، تهران: انتشارات فرهنگ.

- دریایی، نازیلا (۱۳۹۱). «اخلاق گوهر هنرهای ایرانی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری،

سال ۷، شماره ۳.

- دووینو، ژان (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی هنر، ترجمه مهدی سحابی، تهران: نشر مرکز.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

- شپرد، آن (۱۳۷۷). مبانی فلسفه هنر، ترجمه علی رامین، تهران: شرکت انتشارات علمی و

فرهنگی.

- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸). مجموعه مقالات چستی هنر، تدوین سیدعباس نبوی، تهران:

مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.

- شریعتی، علی (۱۳۶۶). هنر (مجموعه آثار)، تهران: انتشارات پژمان، چاپ دوم.

- شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۴). «معنی و مفهوم تربیت»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳ و ۲.

- صابری، رضا (۱۳۹۱). «کاربرد زیباگرایی و هنر در تربیت دینی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی

تربیت اسلامی، سال ۷، شماره ۱۵.

- صادقی، هادی (۱۳۹۱). «ویژگی‌های هنر زمینه‌ساز»، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود،

سال ۶، شماره ۲۴.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا). خلاصه تعالیم اسلام، قم: مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.

- فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۹۰). تربیت در نهج البلاغه، تهران: نشر آبیژ.

- فیشر، ارنست (۱۳۵۴). ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی، ترجمه فیروز شیروانلو، تهران:

نشر پاسارگاد.

- فیشر، رابرت (۲۰۰۱). آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم، افسانه نجاریان،

اهواز: گوزن.

- قره‌باغی، علی اصغر (۱۳۸۸). هنر نقد هنری، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، حوزه هنری

سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.

- قطبی، محمدیوسف (۱۳۵۲). تحقیق در تعریف هنر، تهران: زوآر.
- کاردان، علی محمد (۱۳۷۹). درباره آثار هنری دانش آموزان، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۱). پیوند تناسب و زیبایی با هنر، هنر و ماوراءالطبیعه، تدوین سیدعباس نبوی، تهران: دفتر نشر معارف.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۱). منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). مجموعه آثار، جلد دوم، قم: نشر صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- معین، مرتضی بابک (۱۳۸۷). «نقد مضمونی هنر»، مجله پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۸.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت اسلامی رویکرد کلان‌نگر، تهران: انتشارات عابد.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۸۳). چیستی، چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر، تهران: نشر مدرسه.
- میرزا محمدی، محمدمحسن (۱۳۸۱). «بررسی مقایسه‌ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۳، شماره ۲.
- میکون، ژان لوئیس (۱۳۸۳). از وحی قرآنی تا هنر اسلامی، هنر و معنویت، ترجمه ان‌شاءالله رحمتی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- نبوی، سیدعباس (۱۳۷۸). «بایستگی‌های هنر دینی»، مجموعه مقالات چیستی هنر، تدوین سیدعباس نبوی، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- نجفی، محمدعلی (۱۳۶۳). «اهمیت هنر در نظام تعلیم و تربیت»، مجموعه مقالات اولین کنگره نقش هنر در تربیت، تهران: انتشارات تربیت.
- نواب، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳). «نسبت هنر با تعلیم و تربیت اخلاقی از نگاه آیریس مرداک»،

فصلنامه علمی-پژوهشی کیمیای هنر، سال ۳، شماره ۱۳.

- هاشم‌نژاد، حسین (۱۳۷۹). «درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان بزرگ اسلامی»،

فصلنامه علمی-پژوهشی قبسات، سال ۱۱.

- هزاوه‌ای، هادی (۱۳۶۲). *برنامه آموزش هنر برای معلمان راهنمایی*، تهران: شرکت چاپ و

نشر ایران.

- هوشیار، محمدباقر (۱۳۳۱). *اصول آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

----- (۱۳۸۴). *اهداف، محورها، اولویت‌ها و سیاست‌های تولید، تأمین و پخش*،

تهران: معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی، مرکز طرح و برنامه سازمان صداوسیما.

- Gardner H. (1990). *Art education and human development*. The Getty Education. Institute for Arts. Occasional Paper.

- Ocvrik, Otto; G, Stinson, Robert E, Wigg, Philip R, Bone, Robert, Cayton, David, L. (2008) *Art Fundamental: Theory and Practice*, McGraw-Hill Higher Education.

- Paul E. Bolin and Kaela Hoskings (2015) *Reflecting on our Beliefs and Actions: Purposeful Practice in Art Education*.

- Perkins, D.N. (1992). *Smart Schools: Better thinking and learning for every child*. The Free Press, New York.